

قاچاق چیست و چرا بد است؟

پول کثیف

در صفحه
بخوانید

بارالها من آن خطم که تو قلم گرفتی و آغاز کردی، پس بر این صفحه و میان این سطور، رهایم نکن که مرا پایانی غیر دست‌های تو نیست... بارالها من آن خاک خامم که بر صفحه تقدیر کارگاه تو نامم خورده است. مرا بر این صفحه بچرخان و به هر شکل که می‌خواهی بیافرین، هر چه می‌خواهی، کوزه‌ای خاموش یا سوتکی در جوش و خروش... ای یار، من گرفتارم! یعنی گرفت یارم...

قرار ساعت هشت

هشتک

۴ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه مهر شماره ۲۱۱

www.qudsonline.ir

پنجشنبه ۸ مهر ۱۳۹۵ | ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ | ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶

فصل جدید و شخصیت‌های جدید هشتک آمدند

هشتک پاییزی



خب این هم از هشتک‌های پاییزی که سر و کله‌شان با فرارسیدن فصل پاییز پیدا شد. حالا وقتش رسیده تا با هشتک‌های تابستان خداحافظی کنیم و به مهمان‌های جدیدمان خوش آمد بگوییم و ۳ ماه خاطره‌انگیز را با آن‌ها سپری کنیم. پس سلام هشتک‌های پاییزی به هشتک خوش آمدید.

قصه‌های شاهنامه به روایت «هشتک» / قسمت دوم

پادشاه هفت کشور

ملیحه محمود خواه | کتاب شاهنامه یکی از زیباترین و ملی‌ترین کتاب‌های شعر ما ایرانیان است که شاعرش «فردوسی» در آن، مجموعه‌ای از حوادث تاریخی را با داستان‌هایی اسطوره‌ای ترکیب کرده و سروده است. فردوسی سی سال زحمت کشید تا توانست این کتاب را به بهترین و کامل‌ترین شکل بسراید. در هر شماره از ویژه‌نامه «هشتک» قصد داریم ماجراهای شاهنامه را یکی یکی برایتان تعریف کنیم.



کشاورزی رونق گرفت

مردم شهرهای دیگر هم که می‌دیدند مردم کشور هوشنگ‌شاه دارند پیشرفت می‌کنند و تا چند وقت دیگر حتی به آنها محل هم نمی‌گذارند تصمیم گرفتند به کشور هوشنگ‌شاه بیایند و برای خودشان خانه و زندگی تشکیل دهند. به خاطر همین جمعیت هم زیاد شد و برای سیر کردن شکم این‌همه آدم نیاز بود که کشاورزی انجام شود. همین شد که جوی‌هایی از رود هامون به سمت زمین‌ها کشیدند و مردم شروع به کشاورزی کردند. این‌گونه بود که نان هم به خوردنی‌های مردم که آن موقع بیشتر میوه بود، اضافه شد.

بسیچید پس هر کسی نان خویش بوزید و بشناخت سامان خویش

جانم برایتان بگویم «کیومرث» که مُرد، «هوشنگ» پسر «سیامک» که انتقام پدرش را هم گرفته بود به جای او بر تخت پادشاهی نشست. آن زمان این‌گونه نبود که پادشاهان کاخ مجللی داشته باشند و صندلی‌شان از طلا باشد. آن موقع کمی از عصر حجر گذشته بود و هنوز مردم با تجمّل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی آشنا نبودند و سرشان را روی تکه سنگی می‌گذاشتند و می‌خوابیدند و لباس‌شان هم از پوست حیوانات بود، اما وقتی هوشنگ به پادشاهی رسید همه مردم را دور هم جمع کرد و گفت: «کنون من پادشاه هفت کشور هستم. در هر نبردی پیروز و در هر محفلی فرمانروا هستم و این بدون خواست ایزد پیروز گر ممکن نبوده است.» این را گفت و شد پادشاه.

کشف آهن

او برای اینکه مردم راحت زندگی کنند سعی کرد شهرها را آباد کند. در همان زمان‌ها بود که مردم آن‌قدر سنگ‌ها را تراشیدند که به جسم سختی رسیدند که دیگر قابل تغییر نبود. اسمش را گذاشتند آهن. هوشنگ‌شاه فکری به سرش زد که می‌شود از این آهن استفاده‌های زیادی کرد و کلی از مشاورانش کمک گرفت و بعد شغلی به نام آهنگری درست کرد تا این افراد از این آهن سفت و محکم، اهر، تیشه و تبر درست کنند.



ماجرای جشن سده

یکبار هوشنگ‌شاه از جایی می‌گذشت که ناگهان ماری با چشم‌های بزرگ (از همین‌ها که در کارتون‌ها می‌بینید و یک چشمش برق می‌زند) را دید. او که آدم ترسویی بود سنگ بزرگی برداشت و به سمت مار پرتاب کرد. سنگ خرد شد، اما مار نمرد. مار بدجنس راهش را کشید و رفت. همان موقع از دل سنگی که هوشنگ‌شاه انداخته بود آتشی بلند شد و همه‌جا را روشن کرد. هوشنگ‌شاه هم که از این ماجرا خیلی خوشحال شده بود این را به فال نیک گرفت و گفت حتماً خیر است و به خاطر همین جشن بزرگی هم به پا کرد. این جشن سده که می‌گفتند همیشه برگزار می‌شده همین است؛ همین جشن هوشنگ‌شاه.



اهلی کردن حیوانات

این هوشنگ‌شاه خیلی کارهای دیگر هم کرد. آن موقع‌ها همه حیوانات وحشی بودند و گاو و آهو و شیر همه‌شان آدم را می‌خوردند، هوشنگ‌شاه آمد و گفت بس است دیگر خجالت بکشید و این‌قدر از دست گوسفند و گاو فرار نکنید. به مردم گفت گاو و گوسفند را از بقیه حیوانات جدا کنند و آنها را پرورش دهند و از این حیوانات استفاده کنند. او به مردم یاد داد که از پوست حیواناتی مثل سنجاب، قاقم و روباه نیز می‌توانند لباس‌های خوبی تهیه کنند، هر چند آن موقع‌ها نمی‌دانستند پوست این حیوانات چه ارزشی دارد و اگر می‌دانستند شاید کلی از این لباس‌های پوستی برای نوه، نتیجه‌هایشان که ما باشیم باقی می‌گذاشتند. از قصه دور نمایم. هوشنگ‌شاه چهل سالی بر مردم حکومت کرد.

بسی رنج برد اندر آن روزگار به افسون و اندیشه بی‌شمار چو پیش آمدش روزگار بهی ازو مر دری ماند تخت مهی زمانه زمانی ندادش درنگ شد آن شاه هوشنگ با رای و هنگ

پادشاهی تهمورث

پس از هوشنگ، «تهمورث» بر تخت پادشاهی نشست. پسر بود مر او را یکی هوشمند گرانمایه تهمورث دیوبند

بعد از مرگ هوشنگ‌شاه پسرش تهمورث به جای او نشست و همین که تاج پادشاهی به سرش رسید هنوز یک لیوان آب خوش از گلویش پایین نرفته بود که گفت باید دیوها را به بند بکشیم تا کاری به کار ما نداشته باشند. هر چقدر هم که وزیر و مشاور و معاونش می‌گفتند بی‌خیال دیوها شو گوشش بدهکار نبود و می‌گفت: الا و بلا باید آنها را از بین ببریم. برای این کار هم شروع به تربیت یوزپلنگ و سیاه‌گوش کرد تا این حیوانات وحشی از او حرف‌شنوی داشته باشند و به او در جنگ با دیوها کمک کنند.



جنگ با دیوها

او که خیلی قلدر بود و زورش هم زیاد شده بود اهریمن، رئیس دیوها را به بند کشید و با خودش این‌طرف و آن‌طرف می‌کشید. دیوها که دیدند رئیس‌شان چطور در دست تهمورث اسیر است انجمنی تشکیل دادند و تصمیم گرفتند تهمورث را از پادشاهی پایین بیاورند. خبر که به پادشاه رسید. او هم گرز آهنین را برداشت و لباس رزم به تن کرد و کلی سپاه تشکیل داد. دیوها هم بیکار نماندند و سپاه بزرگی از دیوها جلوی او صف‌آرایی کردند. دیو سپاه در برابر سپاه او نعره می‌کشید و حریف می‌طلبید. تهمورث به سپاهیانش گفت خودم باید او را سر جایش بنشانم و با گرز آهنی به جنگ با او رفت و او را با یک ضربه ناکار کرد. چند دیو دیگر هم به دست او از بین رفتند یا اسیر شدند. دیوها که می‌دیدند در برابر زور او کاری نمی‌توانند انجام دهند به او گفتند اگر ما را نکشی به تو کلی چیزهای جدید یاد می‌دهیم. تهمورث پرسید مثلاً چی؟ آنها هم گفتند کلی زبان جدید. تازه نوشتن هم بلدیم که می‌توانیم به تو هم یاد بدهیم. شاه تهمورث هم کمی فکر کرد و گفت قبول.

دیوها هم نوشتن به چند زبان را به او یاد دادند و او برای خودش زبان‌شناس همه فن حریفی شده بود. تهمورث هم چند سال که حکومت کرد عمرش تمام شد و پادشاهی به پسرش «جمشید» رسید. قصه جمشید در شاهنامه فردوسی را در شماره آینده با هم می‌خوانیم.

روی خط هشت

امروز هم اخبار جالبی برایتان آورده‌ایم که مطمئنیم روز آخر هفته را برای شما دلچسب‌تر می‌کند. اعتیاد مورچه‌ها از آن خبرهایی است که عمرا اگر آن را شنیده باشید، پسری که به میان ابرها رفت هم خبر جالبی است. با ما همراه باشید.

سیناپرس

پیش‌بینی بیماری‌های قلبی و عروقی، ۱۰ سال پیش از وقوع

دانشمندان پی بردند که بعضی از بیماری‌های قلبی و عروقی ارثی است و آزمایشی را طراحی کردند که اگر شما هم این آزمایش را انجام بدهید به شما می‌گوید که مثلاً تا ۱۰ سال آینده آیا به بیماری قلبی و عروقی مبتلا می‌شوید یا نه. در این آزمایش زمانی علائم ژنتیکی بررسی می‌شود و اگر علائم خطرناک ژنتیکی از ۲۰ درصد بیشتر باشد، احتمال بروز بیماری قلبی در شما پنج برابر بیشتر از بقیه است. حالا با این روش پزشکان می‌گویند خیلی بیشتر می‌توانند جلوی بروز این بیماری‌ها را بگیرند.



همیشه سالم باشید

باشگاه خبرنگاران جوان

پسر نوجوان با دست خالی میان ابرها رفت

من که جرأت بالا رفتن از صخره را ندارم شما را نمی‌دانم، اما پسر شجاعی توانست خود را به بالاترین نقطه مخابراتی تلویزیون برساند و آنجا از خودش عکس بگیرد. او به معنی واقعی کلمه میان ابرها بود. «الکس نومرنوی» هجده‌ساله اهل مسکو است. او توانسته است خود را برای عکس گرفتن به بالای برج تلویزیونی در شهر گالیچ غرب روسیه برساند و روی نوک این برج که جایگاه خیلی کوچکی دارد، تعادلش را حفظ کند. الکس این کار را انجام داده تا همه مردم بتوانند از بالا به زمین نگاه کنند.

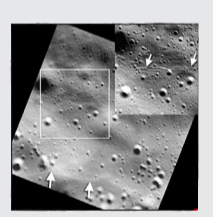


حالا بیفتی از اون بالا

همشهری آنلاین

کشفی عجیب در سیاره مشتری دانشمندان را غافلگیر کرد

یکی از کاوشگران ناسا که به سیاره مشتری فرستاده شده تا زمین را رصد کند عکس‌هایی گرفته که دانشمندان را شگفت‌زده کرده است. در این عکس‌ها که از سطح مشتری گرفته شده است صخره‌هایی به وجود آمده که نباید در مشتری وجود داشته باشند. این در حالی است که این سیاره دمای کم شده و در حال خنک شدن است. دانشمندان می‌گویند این خصوصیتی است که فقط در زمین بوده است. محل‌هایی که با پیکان نشان داده شده‌اند جاهایی هستند که در اثر سرد شدن داخل سیاره مشتری به وجود آمده‌اند، به طوری که این سرد شدن باعث شده است پوسته سطح سیاره جمع شود و علاوه بر کوچک شدن صخره‌ها را به وجود آورد.



شاید قابل زندگی شود

باشگاه خبرنگاران جوان

زندان به خاطر ناپستادن هنگام پخش سرود ملی آمریکا

آمریکا کشوری است که به مردم خودش هم رحم نمی‌کند. افسر نیروی دریایی آمریکایی به دلیل ناپستادن هنگام خواندن سرود ملی به زندان تهدید شده است. این افسر زن سیاه‌پوست که پاهایش درد می‌کرد و نمی‌توانست هنگام پخش سرود بایستد حالا با خطر زندان روبه‌رو شده است. او می‌گوید آن روز نتوانسته روی پاهایش بایستد و از طرفی معتقد است که این سرود فقط برای سفیدپوست‌ها سروده شده و سیاه‌پوست‌ها در آن سهمی ندارند. حالا او از طرف قانون نظامی تحت محاکمه است.

بی‌عدالتی در آمریکا

باشگاه خبرنگاران جوان

کشفیات جدید از زیر حرم مطهر امام حسین (ع)

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اردبیل از کشف ادوات جنگی واقعه عاشورا در زیر حرم مطهر امام حسین (ع) خبر داد. وقتی که مهندسان ایرانی در حال بازسازی ستون حرم بودند متوجه شدند ستون‌ها به



قاچاق چیست؟

هر کالایی که دولت به هر دلیلی ورود آن را به کشور ممنوع کرده باشد و از راه‌های غیرقانونی وارد کشور بشود، کالای قاچاق است. به واردکننده آن کالا هم قاچاقچی می‌گویند. قاچاقچی‌ها معمولاً کار پرسودی دارند. برای اینکه همیشه حواس‌شان هست قیمت کدام کالا در کدام کشور کم شده است یا چه کالایی در کشور بیشتر می‌فروشد، تا آن کالا را بخرند و به صورت غیرقانونی و البته با قیمت بالاتری در کشور دیگری بفروشند. شاید با خودتان فکر کنید که خب کالای قاچاقی چطور وارد کشور می‌شود؟ مگر هر کشور مرزبان و مرزبانی ندارد؟



کوله‌بری

خیلی وقت‌ها کالای قاچاق از قسمت‌هایی از مرز که دیده‌بان مرزی آنجا را نمی‌بیند، وارد می‌شود. این شهرها که محل ورود این کالاها هستند معمولاً جزو شهرهای مرزی هستند. همچنین به خاطر اینکه وارد کردن کالا از این طریق نمی‌تواند از طریق جاده‌های رسمی باشد، کسانی از مردم محلی شهرهای مرزنشین که به آنها «کوله‌بر» می‌گویند، اجناس قاچاق را روی کول خود می‌گذارند و از بیراهه‌ها آنها را حمل می‌کنند. البته به خاطر سختی این کار، حجم کالایی که وارد می‌شود خیلی کم است و تقریباً ضرر آنچنانی هم در مقایسه با وارد شدن کانتینرهای (کامیون‌های بزرگ و سرپوشیده) کالای قاچاق وجود ندارد.



توصیه رهبری

چند وقت پیش رهبر معظم انقلاب در یکی از دیدارها پشان وقتی درباره کالای قاچاق صحبت می‌کردند از مسئولان خواستند که این کالاها را جلوی چشم مردم آتش بزنند. این سخن رهبری اولاً به این خاطر بود که مردم از مبارزه با قاچاق مطمئن بشوند و بعد هم به این خاطر که جنس قاچاق هیچ‌وقت وارد بازار نشود تا تولیدکننده داخلی ضرر کند.

بعضی مواقع کالایی با هدف عبور از کشور ایران و صادرات به کشوری دیگر وارد ایران می‌شود. اما در میانه راه، کانتینرهای حامل کالا تخلیه شده و با کالایی دیگر جایگزین می‌شود و به این ترتیب کالاها بدون گذراندن مراحل قانونی لازم وارد کشور می‌شوند. البته قوانینی برای بررسی کانتینرها موقع ورود و خروج از کشور وجود دارد، اما قاچاقچی‌ها معمولاً راه‌هایی را پیدا می‌کنند تا این قوانین را دور بزنند.

قاچاق چیست و چرا بد است؟

پول‌کشیف

نعیمه موحد | کلمه «قاچاق» به همان نسبت که کلمه‌ای منفی است یک‌جورهایی حس ترسناکی هم به آدم می‌دهد. در بیشتر فیلم‌ها قاچاقچی‌ها افراد بدی هستند و پلیس همیشه به دنبال آنهاست، اما واقعیت این است که قاچاق همیشه آن قدر واضح چهره بدی ندارد. گاهی در اقتصاد یک کشور اتفاق‌هایی می‌افتد که کالای قاچاق تا همین سوپری سر کوجه هم می‌آید و ما هم بدون اینکه متوجه بشویم کالای قاچاق را می‌خریم، از آن استفاده می‌کنیم. برویم و ببینیم اصلاً قاچاق چیست؟ چرا بد است و اگر با آن مبارزه نشود چه اتفاقی می‌افتد؟



قانونی وجود دارد که اجازه می‌دهد مردم شهرها که مرزهای بین‌المللی دارند، کالاهایی را بدون گذراندن مراحل قانونی وارد کشور کنند و برای آن مشخص بفرستند.

کار غیر قانونی از مسیر قانونی!

قسمت جالب ماجرا اینجاست که بیشتر کالاهای قاچاق از مسیرهای قانونی وارد کشور می‌شوند و موقع ورود یک‌جورهایی قانون را دور می‌زنند. گمرک سازمانی است که صادرات و واردات کالا را از نظر قانونی بررسی می‌کند. بعضی از قاچاقچی‌ها وقتی می‌خواهند کالایشان را از گمرک رد کنند اطلاعات نادرستی را به مسئول گمرک می‌دهند. این هم به این خاطر است که تعداد کانتینرهایی که وارد کشور می‌شوند معمولاً خیلی زیاد است و نمی‌شود همه را با دستگاه «ایکس‌ری» بررسی کرد. پس گمرک به حرف بعضی واردکننده‌ها اعتماد می‌کند و متأسفانه بعضی‌ها هم جواب اعتماد را با صداقت نمی‌دهند.



رشته‌های مجرب

اعضای این خانواده آشفته در ابد و یک حساس حاضر نیستند آسیبی به هیچ‌کدام در اواسط فیلم متوجه می‌شویم مرد افغان به مرتضی قول داده او را در مغازه فلافل‌ف بگیرد. درست است که او این موضوع را از این کارش او را از آینده نامعلومش در خانده از آن طرف همه خواهر و برادرها با محسد می‌رسد که پلیس در راه خانه آنهاست، ما یا وقتی محسن در برابر تهدیدهای خانده به او کمک نمی‌کنند، باز هم دستگیر می‌دهد تا آنها را گمراه و برادرش را رهسار مرتضی و خواهرها حتی در اوج گرفتاری بینند پسرش با چه کسی دعوا کرد

همه‌چیز از نو در خانواده‌ای که با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند

محکوم به ابد و یک روز

معصومه صفاری | به مجموعه‌ای که همه‌چیز در مورد موضوع خاصی در آن پیدا شود، «کلکسیون» می‌گویند. «ابد و یک روز» کلکسیون کاملی از بدبختی‌های یک خانواده است. خانواده‌ای بدون پدر که مادر مریض است، دخترها زندگی خانوادگی خوبی ندارند و پسرها بیکار و معتاد هستند. این توصیف شاید همه را یاد فیلم سیاه‌نمایانه‌ای بیندازد که فقط می‌خواهد از بدبختی‌ها بگوید، اما ابد و یک روز فیلم سیاه‌نمایانه‌ای نیست. فیلم از بدبختی‌های یک خانواده می‌گوید، اما خانواده‌ای که در بدترین شرایط رشته محبت بین آنها هنوز برقرار است.

داستان چیست؟

یک خانواده جنوب شهری در تهران با هشت بچه به همراه یک مادر، دوتا از دخترها ازدواج کرده‌اند؛ یکی طلاق گرفته و با پول مهریه‌اش زندگی‌اش را از خانواده جدا کرده است؛ آن یکی، پسر قلدر و ناسازگاری دارد که زندگی‌اش را به هم ریخته است. خواهر دیگر هم انگار بیماری روحی دارد و بیشتر وقت‌ها بی‌حوصله و بی‌عصاب است. خواهر بعدی «سمیه» با بازی «پریناز ایزدیار» دختری سی‌ساله است که همه اعضای خانواده به‌نوعی به او، محبت‌ها و کمک‌هایش وابسته هستند، اما «مرتضی» برادر بزرگ‌تر با بازی «پیمان معادی» او را تشویق می‌کند با پسر خانواده مرفه افغانی ازدواج کند و سروسامان بگیرد. برادر دیگر، «محسن» با بازی «نویید محمدزاده» معتاد به مواد مخدر و فروشنده است که بارها ترک کرده و به زندان رفته، ولی باز هم به کارش ادامه می‌دهد. او با ازدواج سمیه و مرد افغان مخالف است و به همین دلیل با مرتضی درگیری دارد. کوچک‌ترین عضو خانواده، «نویید» با بازی «مهدی قربانی» است که دانش‌آموز نوجوانی است. نوجوانی که بین بدبختی‌های خانواده آشفته‌ای گیر افتاده و البته به‌شدت هم به سمیه وابسته است.



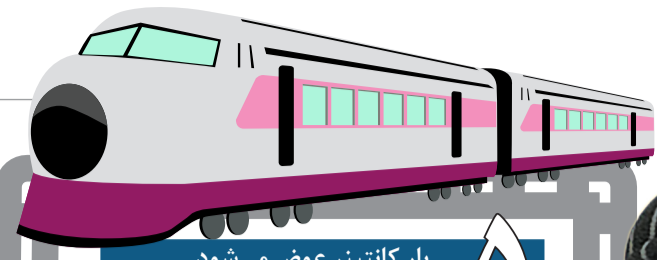
بازی‌های عالی

بازیگران در این فیلم نقش‌هایشان را خیلی است که برای بازی در نقش معتاد در بی‌توانسته نقش معتادی را که درگیر مواد عین حال هیچ‌کاری هم نمی‌تواند برای نقش مردی که با سن بالا هنوز نه خانوده شده است، او به عنوان برادر بزرگ‌تر ق شکست‌های او باعث شده حالا کمی خسته خانواده‌اش را وارد زندگی‌اش کند فقیر است که همه زندگی و حتی کرده است. درست مثل مادری است و از مرتضی می‌خواهد تش



ابد و یک روز اولین ساخته «محمد رسول‌صالح» است. او «همین اولین کار او حسین مورد توجه منتقدان، کارشادان و مخاطبان سینما قرار گرفت»

بعضی از قاچاقچی‌ها وقتی می‌خواهند کالایشان را از گمرک رد کنند اطلاعات نادرستی را به مسؤول گمرک می‌دهند. این هم به این خاطر است که تعداد کانتینرهای که وارد کشور می‌شوند معمولاً خیلی زیاد است و نمی‌شود همه را با دستگاه «آپکس ری» بررسی کرد.



بار کانتینر عوض می‌شود

بعضی مواقع کالایی با هدف عبور از کشور ایران و صادرات به کشوری دیگر وارد ایران می‌شود، اما در میانه راه، کانتینرهای حامل کالا تخلیه شده و با کالایی دیگر جایگزین می‌شود و به این ترتیب کالاها بدون گذراندن مراحل قانونی لازم وارد کشور می‌شوند. البته قوانینی برای بررسی کانتینرها موقع ورود و خروج از کشور وجود دارد، اما قاچاقچی‌ها معمولاً راه‌هایی را پیدا می‌کنند تا این قوانین را دور بزنند.



رنگ هیچ کس نمی‌راند به طور دقیق چقدر کالا وارد کشور می‌شود، لذا به فروش می‌رسد چه صحت برآورد آن تعیین می‌شود و غیره

چرا قاچاق بد است؟

اولین ضرر قاچاق این است که وقتی کالایی بدون نظارت دولت وارد می‌شود و دولت برای فروش آن برنامه‌های ندارد، وارد شدن ناگهانی آن کالا قیمت را در بازار تعیین می‌کند و باعث می‌شود مغازه‌هایی که جنس قانونی دارند، کالایشان به فروش نرود. به همین دلیل تولید داخلی ضربه می‌خورد و حتی شغل‌های زیادی از بین می‌روند. قاچاق کالا درآمدهای گمرک را هم کاهش می‌دهد و به دنبال آن بخشی از درآمد دولت هم از بین می‌رود. با قاچاق، نظام اطلاعات اقتصادی کشور هم ضربه می‌خورد. دیگر هیچ کس نمی‌داند به طور دقیق چقدر کالا وارد کشور می‌شود، کجا به فروش می‌رسد چه قیمتی برای آن تعیین می‌شود و غیره. وقتی اقتصاد کشوری دچار این وضعیت شود تصمیم‌گیری اقتصادی هم برای آن مشکل می‌شود چون اطلاعات مبهم زیادی وجود دارد. دولت هر ساله برای اقتصاد کشور سیاست‌گذاری‌هایی انجام می‌دهد؛ مثلاً تصمیم می‌گیرد تا میزان تولید داخلی را به حد معینی برساند، اما قاچاق این سیاست‌ها را به هم می‌ریزد و باعث می‌شود دولت به اهداف اقتصادی‌اش نرسد.

سوزاندن ماشین‌های خارجی

چند وقت پیش محموله‌ای از ماشین‌های گران قیمت که به صورت قاچاق وارد کشور شده بود کشف شد. قیمت این محموله ۱۴ میلیارد تومان بود و مسؤولان تصمیم گرفته بودند آنها را بسوزانند. البته بسیاری از افراد می‌گفتند که بهتر است این ماشین‌ها فروخته و پول آن برای کشور خرج شود، اما کارشناسان توضیح دادند که وقتی کالایی به صورت قاچاق وارد کشور شود نمی‌شود آن را به کشور واردکننده پس داد. از آن طرف فروش آن به کشور دیگری هم نه از نظر قانونی درست است و نه دولت می‌تواند این کار را انجام بدهد چون در عرف بین الملل این کار صحیح نیست! از آن طرف از بین بردن این محصول آن هم با این قیمت بالا هم قاچاقچی را دچار ضرر می‌کند و هم به او نشان می‌دهد که اراده دولت در مبارزه با قاچاق جدی است و با موارد بعدی هم همین گونه برخورد خواهد شد.

خرده‌فروشی در مرز

عده‌ای دیگر محصول قاچاق خود را قبل از رسیدن به گمرک در بازارچه‌های مرزی خرده‌فروشی می‌کنند. قانونی وجود دارد که اجازه می‌دهد مردم شهرهای مرزی به اندازه نیاز خودشان کالاهایی را بدون گذراندن مراحل قانونی وارد کشور کنند و برای گذران زندگی در بازارچه‌های مشخص بفروشند. قاچاقچی‌ها از این قانون سوءاستفاده می‌کنند و با آوردن محصولات زیاد، آنها را در بازارچه‌های مرزی می‌فروشند و سود می‌کنند.

سود و پولی که قاچاق به دست می‌آید از نظر شرعی حرام است، اما اگر این جنس‌ها در بازار بیاید، بیشتر مراجع می‌گویند اگر این وارد شدن با مقررات دولتی باشد، خرید آن اشکالی ندارد.

صحت یا نداشتن این عمل در فقه اسلامی مورد بحث است. بعضی از مراجع معتقدند که این کار حرام است و بعضی دیگر می‌گویند که اگر این کار با مقررات دولتی باشد، اشکالی ندارد.

ارتفاع ۸ متر داخل زمین رفته است. در واقع در طول سال‌های زیاد و وقوع حوادث مختلف در این منطقه جغرافیایی، خاک کربلا هشت متر بالا آمده، به طوری که برخی روستاها به مرور زمان زیر خاک مدفون شده‌اند. هنگام کاوش و مطالعه ستون‌ها، صحنه جنگ عاشورا کشف شده، به طوری که برخی ادوات جنگی و ابزار آلات و اسباب به‌جا مانده نیز کشف شده است.

یا حسین (ع)

پانا

نخستین دبستان دارای باغ‌بام کشور در مشهد افتتاح شد

نخستین دبستان فرهنگ ایران و دارای باغ‌بام کشور با حضور وزیر آموزش و پرورش در مشهد افتتاح شد. دبستان پسرانه «ثابت ۲»، اولین دبستان فرهنگ ایران در ناحیه ۳ مشهد افتتاح شده است.



این دبستان با ظرفیت ۶۵۰ دانش‌آموز با الهام‌گیری از معماری ایرانی - اسلامی از سوی «حسین ثابت»، بنیانگذار بنیاد فرهنگی ثابت فردوسی ساخته شده است. در این دبستان برنامه‌های محیط‌زیستی، شاهنامه‌خوانی و... برگزار می‌شود.

مدرسه‌های خاص

جامجم آنلاین

مورچه‌ها هم معناد می‌شوند

فقط مانده بود که مورچه‌ها معناد شوند که آن هم اتفاق افتاد. محققان می‌گویند مورچه‌ها به مرفین اعتیاد پیدا می‌کنند و باید آن را مصرف کنند. آنها آزمایشی را ترتیب دادند که در آن به مورچه‌ها شکر و مرفین می‌دادند. بعد از یک هفته که مورچه‌ها می‌توانستند غذایشان را انتخاب کنند همه آنها مرفین را انتخاب کرده بودند. محققان دریافتند که مورچه‌ها هم به مرفین اعتیاد پیدا می‌کنند. تا پیش از این تنها موش‌ها بودند که اعتیادشان ثابت شده بود. حالا باید مورچه‌ها را بستری کرد و آنها را هم ترک داد.



میازار موری که دانه کش است

باشگاه خبرنگاران جوان

تصویر شکر گزاری تیم ملی فوتبال نوجوانان سوژه فضای مجازی شد

عکس نوجوانان تیم ملی که بعد از راهپایایی به جام جهانی ۲۰۱۷ به نماز شکر ایستادند این روزها در فضای مجازی خیلی دست‌به‌دست می‌شود. آنها بعد از برد در برابر تیم ویتنام توانستند جواز حضور در مسابقات جام جهانی نوجوانان را که در سال ۲۰۱۷ در هند برگزار می‌شود، کسب کنند. آنها خوشحالی‌شان را وقتی نشان دادند که کنار هم قرار گرفتند و دو رکعت نماز شکر به جا آوردند. ما هم این پیروزی را به بچه‌های قهرمان‌مان تبریک می‌گوییم.



نوجوانان دلاور

پانا

برای نمایشگاهی از کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان

اگر اهل کتاب خواندن باشید و دل‌تان لک زده باشد که کتاب‌های جدید را هم به فهرست کتاب‌هایتان اضافه کنید سری به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بزنید. نمایشگاه مهرماه امسال به کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان اختصاص دارد و ۳۶ عنوان کتاب فارسی و ۱۳ عنوان کتاب غیرفارسی به بچه‌ها معرفی شده است که می‌توانید آنها را در کتابخانه خودتان داشته باشید. پس فرصت را از دست ندهید و تا درس‌هایتان سنگین‌تر نشده‌اند این کتاب‌ها را هم بخوانید.



کتاب خوب و بچه‌های خوب

پانا

آموزش شطرنج بخشی از برنامه درسی ملی در ارمنستان

تصور کنید کنار کتاب‌های علوم، ریاضی و فارسی مجبور باشید کتاب شطرنج را هم بخوانید. اشتباه نخوانید، کتاب شطرنج، کتابی که بچه‌های ارمنستانی باید با کتاب‌های درسی‌شان بخوانند. درس شطرنج بخش اجباری از برنامه درسی در مدارس ارمنستان شده است و مسؤولان این کشور معتقدند این درس به بچه‌ها درس زندگی و مهارت تفکر را یاد می‌دهد. برای همین هم این کشور از استادهای بزرگی برای حضور در مدارس‌شان دعوت کرده است. در حال حاضر دوبار در هفته کلاس‌های شطرنج برگزار می‌شود و این کلاس‌ها با استقبال بسیار خوبی از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌ها روبه‌رو شده است.

شطرنج و درس اصلی

تلخی بی‌پایان

شاید بدترین نکته درباره ابد و یک روز تلخی بی‌پایان آن باشد. در دیالوگی از فیلم یکی از خواهرها به سمیه می‌گوید: «تو این خونه هیچی تمومی نداره... از طرف‌های کثیف بگیر تا حرف‌های نیشدار آدم‌ها به همدیگه... اینجا همه چی ادامه داره!»

سمیه علی‌رغم میلش سوار ماشین مرد افغان می‌شود تا با او برود، اما از میانه راه به خانه برمی‌گردد. در حالی که همه اهل خانه مخصوصاً نوید از برگشتن او خوشحال هستند، اما هیچ‌چیز عوض نشده است. مشکل خواهرهای ازدواج‌کرده هنوز پابرجاست، مرتضی وعده بهتر شدن کاسی‌اش را از دست داده، محسن هنوز معتاد و فروشنده مواد است و سمیه باز هم قرار است دلسوز و کمک همه آنها باشد.

در جایی دیگر از فیلم، سمیه از مرتضی معنی «ابد و یک روز» را می‌پرسد. مرتضی جواب می‌دهد: «وقتی به مجرمی حکم حبس ابد می‌دهند، بعد از ۱۵ سال او می‌تواند تقاضای بررسی دوباره کند تا شاید از مدت حبسش کم شود، اما وقتی قاضی حکم ابد و یک روز می‌دهد دیگر امکانی برای کم کردن مدت حبس نیست. مجرم تا یک روز بعد از مرگش هم باید در زندان بماند.»

اتفاقی که بعد از برگشت سمیه به خانه می‌افتد این است که، چراغ خانه روشن می‌شود. خانواده با پشتوانه سمیه که انگار به ابد و یک روز زندگی در این خانه محکوم شده است، باز هم قرار است با سرنوشت تلخش بجنگد.



محمد روستایی برای ابد و یک روز در سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر، سمیه بلورین بهترین کارگردان، بهترین فیلمنامه و بهترین کارگردانی نگاه نورا برنده شد. پرینک ایردیزر، سعید بهترین بازیگر نقش اول زن و نوید محمدرزاده هم بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای ابد و یک روز بردند. این فیلم همزمان در آخرین جشنواره فیلم فجر جایزه‌های بهترین تولید، بهترین چهره‌پردازی و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را هم برنده شد.



روز با هم درگیری دارند، اما در مواقع م برسد. ی که قصد دارد با سمیه ازدواج کند روشی شریک کند تا کسب‌وکارش رونق سمیه مخفی کرده است، اما فکر می‌کند با واده نجات می‌دهد. سن و اعتیاد او درگیری دارند، اما وقتی خبر مواد مخدر او را از اتاقش برداشته و دور می‌ریزند سواده که اگر پلیس یک‌بار دیگر دستگیرش کند می‌شود، نوید نشانی خانه دیگری را به پلیس‌ها می‌کند. هایشان به خانه خواهر بزرگ‌تر می‌روند تا و چرا با صورت زخمی به خانه برگشته است.



سی عالی بازی کرده‌اند. نوید محمدزاده گفته یک ماه ۱۱ کیلو وزن کم کرده است. او به خوبی مخدر است، اما به خانواده‌اش علاقه دارد و در آنها انجام بدهد، بازی کند. پیمان معادی در راه‌های دارد و نه کار درست‌حسابی، خوب ظاهر سرار بوده جای پدر را برای خانواده پر کند که بودخواهی و درگیر احساسات نشدن نسبت به سد. و پریناز ایزدیار دقیقاً همان سمیه خانواده سی آینده‌اش را وقف مادر، خواهر و برادرهایش که حتی حواسش به نمرات خوب کارنامه نوید سوبیش کند.



از اسفل سافلین رسیدم به بهشت
ضرب‌المثل حلقه مستان شده‌ام
ما را کرشم داد ز هر غصه نجات
بر معرفت و مرام سلطان صلوات

امروز اگر مقام و جایی دارم
خاک قدم همچو شمایی دارم
گفتند که دیوانه شدم حرفی نیست
من نیز در این جهان خدایی دارم



بارالها من آن خطم که تو قلم گرفتی و آغاز کردی، پس بر این صفحه و میان این سطور، رهایم نکن که مرا پایانی غیر دست‌های تو نیست...
بارالها من آن خاک خامه که بر صفحه تقدیر کارگاه تو نامم رقم خورده است. مرا بر این صفحه پچرخان و به هر شکل که می‌خواهی بیافرین، هرچه می‌خواهی: کوزه‌های خاموش یا سوتکی در جوش و خروش...
ای بار، من گرفتارم! یعنی گرفت یارم...

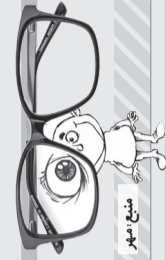
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، الْإِلَهَ الْأَعْلَى مَرْئُوبٌ،
وَ لَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَقْلُوبٌ،
وَ لَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٌ،
وَ بَيْدِكَ يَا إِلَهِي، جَمِيعُ ذَلِكَ السَّعْبِ،
وَ إِلَيْكَ الْمَقَرُّ وَالْمَهْرُوبُ،
فَقَسِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
وَ أَجْرِ هَرَبِي، وَ أَنْجِحْ مَطْلَبِي.

الهی، پرورد را جز پروردگار پناه نهد
و مغلوب را جز غالب امان نبخشد
و مطلوب را جز طالب یاری نکند
و ای خدای من همه این وسایل به دست
توست
و گریز و پناه هم به سوی توست
پس بر محمد و آتش درود فرست و گریزم را
به پناه خود بر و حاجتم را برآور.

فرازهای سوم و چهارم
دعای بیست و یکم صحیفه سجادیه
برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



عکاسان دنیا نیست.
کوه آتش فشانی «برومو» در اندونزی یکی از زیباترین سوزن‌های



آدامس جویدن یا نجویدن؛ مسأله این است آدامس بخورم یا نخورم؟!!

در زمان‌های گذشته ماده‌ای به نام «سقز» بود که مزه تندوتیزی داشت. سقز کار آدامس‌های امروزی را انجام می‌داد؛ یعنی ماده‌ای که جویده می‌شود و دهان را خوشبو می‌کند. اما این روزها اگرچه ماده تشکیل‌دهنده اصلی بعضی آدامس‌ها سقز است، آن‌قدر آدامس‌های متنوع و جورواجور به بازار آمده است که کسی دیگر یاد جویدنی قدیمی نمی‌افتد. حالا نه تنها آدامس‌ها بلکه نظرهای دانشمندان هم نسبت به آنها زیاد شده است!



اصلا هم مفید نیست

اما بعضی دیگر از محققان نظر دیگری دارند و می‌گویند آدامس جویدن مضرات بدی هم دارد؛ مثلاً یکی اینکه همه ما معمولاً آدامس را با یک طرف دهان مان می‌جویم. این عمل می‌تواند به‌مرور باعث این شود که صورت تغییرشکل پیدا کند. چون عضله یک طرف تقویت می‌شود، اما عضله طرف دیگر دهان نه! تقویت شدن عضله یک سمت دهان حتی می‌تواند باعث درد در قسمت سر، فک و گردن شود و التهاب مفصل فک به وجود بیاید. این محققان برخلاف بعضی همکارانشان که می‌گویند آدامس جویدن برای مغز مفید است، معتقدند که آدامس جویدن باعث می‌شود بعضی از انواع حافظه در مغز شکل نگیرد. آنها می‌گویند بخش زیادی از حافظه و تقویت آن به تکرار وابسته است که انجام دادن این کار هنگام جویدن آدامس سخت است. همچنین طبق گفته محققان دوستدار آدامس، این ماده اسید معده را زیاد می‌کند، پس اگر در حالتی که غذایی در معده‌مان نیست آدامس بجویم ممکن است دچار بیماری‌هایی مثل زخم‌معده یا سوءهاضمه بشویم.



آدامس و هضم غذا

بعضی از دانشمندان معتقد هستند که آدامس جویدن برای بدن مفید است. آنها می‌گویند عمل فیزیکی جویدن باعث می‌شود که بزاق دهان زیاد شود که فایده‌های زیادی دارد؛ مثلاً اسید معده را بیشتر می‌کند و غذا زودتر هضم می‌شود. یا مثلاً اگر به مدت بیست دقیقه بعد از غذا آدامس بجویم احتمال مبتلا شدن به پوسیدگی دندان‌ها کمتر می‌شود؛ البته محققان می‌گویند که این اصلاً به این معنی نیست که آدامس جایگزین مناسبی برای مسواک یا نخ دندان است.



مفید حتی برای مغز

علاوه بر فایده آدامس جویدن برای دهان، دانشمندان حتی یافته‌هایی به دست آورده‌اند که این کوچولوی چسبناک حتی برای مغز هم مفید است. آنها می‌گویند که جویدن آدامس باعث افزایش سطح هوشیاری، واکنش سریع و افزایش سرعت رمزگشایی از اطلاعات در مغز می‌شود.



آدامس‌ها اغلب حاوی ماده‌ای به اسم «سوربیتول» هستند. این ماده بدون چرب وارد روده و منجر به نفخ معده می‌شود.

بخوریم یا نخوریم؟

وقتی دانشمندان درباره یک ماده غذایی متفاوتی دارند بهترین کار این است که در مصرف ماده حد تعادل را رعایت کنیم. این‌طوری هم فایده‌هایش به بدن ما می‌رسد و هم ضررهایش کمتر تأثیر می‌گذارد. البته این را هم یادتان باشد که آدامس از آن دست خوراکی‌هاست که هر جایی نمی‌شود آن را خورد!

«جلال‌الدین محمد بن بهاء‌الدین محمد» معروف به مولانا، مولوی، ملای روم و جلال‌الدین رومی در سال ۶۰۴ قمری در بلخ به دنیا آمد. در کودکی با پدرش «بهاء‌الدین محمد» معروف به بهاء‌ولد، هم‌زمان با حمله مغول به آسیای صغیر (ترکیه امروزی) رفت و با خاندانش در قونیه مستقر شد. مولوی پس از یاد گرفتن علوم از پدر و دیگر استادان قونیه و شام به تدریس مشغول شد. او بعدها با عارف بزرگی به نام «شمس‌الدین محمد تبریزی» در قونیه ملاقات کرد و با تأثیرپذیری حالات معنوی شمس تا آخر عمر متحول شد.

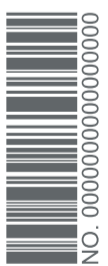
از این دوره پرشور که سی سال از پایان حیات مولوی را شامل می‌شود، آثار بی‌ظیری از این استاد بزرگ به وجود آمد. در کتاب «مثنوی معنوی»، مولوی مسائل مهم عرفانی، دینی و اخلاقی را مطرح کرده و هنگام توضیح به بیان آیات، احادیث و امثال پرداخته است.

مولانا جلال‌الدین رومی، سرانجام در سال ۶۷۲ قمری در سن شصت‌وهشت‌سالگی به وصال معبود شتافت و پس از تشییع و نمازی باشکوه، در قونیه به خاک سپرده شد. مزار او در ترکیه، زیارتگاه دوستداران ادب پارسی و عرفان اسلامی است.

«شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی»، شاعر و استاد بزرگ شعر و نثر فارسی، پس از گذراندن مقدمات علوم ادبی و دینی در زادگاهش شیراز، در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به آموختن علوم مختلف آن زمان مشغول شد. سعدی بعد از تحصیل به سفرهای زیادی رفت و در این سفرها، با کمک دیده‌ها و شنیده‌هایش به همراه ذوق شاعری، اشعاری زیبا و ماندنی سرود. سعدی در سال ۶۵۵ قمری اثر بزرگ اخلاقی و تربیتی خود به نام «بوستان» را سرود و در سال ۶۵۶ قمری «گلستان» که در آن از اشعار فارسی و عربی هم استفاده کرده است. سعدی به همراه «فردوسی» و «حافظ»، یکی از سه شاعر بسیار بزرگ زبان و ادب فارسی است.

هشتکو

«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.



یه بار عموم زنگ زد گفت مهندس کجایی؟ بیا سر ساختمان به مشکل برخوردیم. سریع رفتم گفتم جانم عمو نقشه مورد داره. گفت نه کار گرمون نیومده امروز.

بسر آقای همسایه

یکی از بهترین واکنش‌ها در مورد بازگشایی مدارس واسه بچه همکارمون بوده که وقتی بهش گفتن باید بری مدرسه، گفت من که پارسال رفتم.

همکار تنبل خان

دانشمندان پس از مدت‌ها تلاش توانستند خواندن و نوشتن را به خرگوش یاد بدهند. خرگوش در اولین جمله‌اش روی کاغذ نوشت: شما کار و زندگی ندارین؟

خوشمزه‌خان

کاش از قورمه‌سبزی خواهش کنیم به بقیه غذاها هم بگه که تو بیخچال به چی نگاه می‌کنه که فرداش خوشمزه‌تر میشه.

خیال‌خان

عقرب‌ها بعد از نیش زدن به مصدوم می‌گن: ببخشیدا نیش ما از روی کینه نیست طبیعتمون این‌جوریه. سر منده بفر مایید خونه در خدمت باشیم.

خوشمزه‌خان

عمر بارز شترتین دارایی آدمه، اگه کسی برات وقت گذاشت؛ یعنی داره از ارزشمندترین و غیرقابل تکرارترین چیزی که داره خرجت می‌کنه!

شاعر تنها

هشدار!!! به هیچ‌وجه راسته گوسفند رو با آلبیمو قاطی نکنین، چون طی واکنش شیمیایی که گوشت با آلبیمو انجام می‌ده منم باید اونجا باشم که با هم بخوریم تا ضرری براتون نداشته باشه.

خیال‌خان

این‌همه زحمت می‌کشیم هفته رو تموم می‌کنیم دوباره به هفته دیگه شروع میشه.

بسر تنبل خان

هر شب قبل خواب همه برنامه‌های فردا رو مرور می‌کنم و دعا می‌کنم که هیچوقت فردا نشه.

تنبل خان

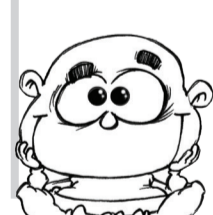
ترکیب دیزی، بیاز، نوشابه، ترشی از ترکیب سال ۲۰۰۲ رتال مادرید هم بهتره

عیال خیال‌خان

اگر جوان هستید، در حمل بارهای سنگین سالمندان، به آن‌ها کمک کنید...

مادر جان! بهتر نبود اینو با وانت می‌بردین منزل؟

https://telegram.me/khosroanjom_majid



۲۱۱

